

ادامه از صفحه اول

خرمشر آزاد شد ولی...

شهروندی مستلزم یک سری از حقوق و تکالیف توام است. در مقوله شهروندی اگر خواستار حقوق هستیم، باید به تکالیف نیز عمل کنیم و مهم‌ترین تکلیف، وفاداری به کشور است. نام‌های جغرافیایی استان برابر قانون تقسیمات کشوری تغییرناپذیرند و هر نوع استفاده از نام‌های دیگر با سوءنیت نسبت به تمامیت ارضی و وفاداری به ایران انجام می‌شد. این نکته درست است که نام خرمشهر در گذشته «محمره» بوده است؛ اما این نام هنگامی به این منطقه داده شد که سرخ‌جامگان که بخشی از نهضت شعوبیه بودند، در حوالی خرمشهر امروزی، اردوگاه بزرگی برپا کرده بودند و نیروهای خلیفه منطقه یادشده را به نام سرخ‌جامگان، محمره نامیدند. نام خرمشهر نیز با عطف به جنبش خرمذنیان (سرخ‌جامگان) انتخاب شده است؛ اما پس از پشت‌سرگذاشتن تجربه جنگ تحمیلی و آشنایی ایرانی‌ها با افکار بعثی، هر نوع اصرار بر استفاده از اسامی مانند محمره و خواجه با فرض سوءنیت خاص تلقی می‌شود. تجویز استفاده از چنین نام‌هایی زینده کرسی مسئولیت نیست. تبدیل‌شدن روزنامه شهرداری تهران به تریبون چنین ادعاهایی و پیشبرد پروژه تعریب خوستان از این طریق، از طرف هرکسی که باشد، پذیرفتنی نخواهد بود. این نقد جدی در سیاست داخلی وارد است که به نتیجه مدیریت استانی در سال‌های گذشته، برخی نیروهای ضدایرانی و نوعیتی فعال شده‌اند که پیامد منطقی فعالیت آنها، حملات تروریستی اخیر مشرف به انتخابات ریاست‌جمهوری در استان بود؛ زیرا این دست از محافل و نشریات، با تئوریزه‌کردن خشونت قومی و نژادی و تحریک مردم به گشتار یا عصیان، فلسفه و جوهر معنوی خطرناکی را تجویز می‌کنند که آثار آن تا سال‌ها باقی خواهد ماند. کالدب خرمشهر آزاد شده است؛ اما امروزه عده‌ای قصد روح و جان این شهر را کرده‌اند. هزاران ایرانی برای آزادی خرمشهر به شهادت رسیدند که بیشتر آنها از استان‌های دیگر به جنگ اعزام شده بودند. بسیاری دیگر از زندمگان، به‌ویژه در ارتش، هنوز با معلولیت‌های جنگی سروکار دارند. این فداکاری‌ها صورت گرفت تا خرمشهر و سوسنگرد و در کل خوستان حفظ شود و نام این شهرها همچنان باقی بماند؛ والا صدام‌حسین بهتر از هرکسی می‌توانست پروژه تعریب را پیش ببرد. جا دارد در سالروز آزادی خرمشهر، بیش از پیش به موضوعات نرمی از این دست بها بدهیم. نام خرمشهر یادآور یک حماسه در تاریخ معاصر ایران است؛ هر نوع تلاش برای تغییر این نام، خیانت به ارزش‌های جنگ و خاطره شهدا و مقام جانبازان است.

نظام‌رفاهی ایران در نیمه‌راه

۵- از منظری دیگر حوزه‌های اشتغال و کارفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نیز حوزه‌های مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی برای توانمندسازی و کارگمتری و اشتغال عمومی تجهیز و تنظیم شده‌اند. به این معنا که حوزه اشتغال و کارآفرینی در خدمت رویکرد توسعه اجتماعی قرار گرفته و تلاش می‌کند تا با کمک حوزه حمایتی، افراد و گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر را به حوزه خودتاکایی سوق دهد. ۶- در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز همین رویکرد هدفمندسازی و هوشمندسازی خدمات اجتماعی که از سوی وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی دنبال شد، باعث شد تا به جای برخورد صرفاً امنیتی و انتظامی که در حیطه عمل وزارت کشور است، مقدمات اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی فراهم شود که به «اجتماعی‌شدن مجدد» و بازگشت افراد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب به خانواده منجر شود و خدمات اجتماعی «اجتماع‌محور» و «مبتنی بر خانواده» شکل بگیرد. ۷- شکل‌گیری سامانه و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی و پایگاه اطلاعات جامع نظام رفاهی، اطلس آسیب‌های اجتماعی و... زمینه را برای انجام آزمون وسیع فراهم کرده و نیز با اجرای طرح‌های غربالگری اجتماعی (مشاوره ژنتیکی و ازدواج و شناسایی کودکان محروم از تحصیل و...) مقدمات شکل‌گیری و اعمال رویکرد «نیازمندیابی فعال» فراهم شده است و دولت می‌تواند به جای رویکرد انفعالی به صورت فعال وارد حوزه خدمات اجتماعی شود.

به نظر می‌رسد مقدمات و زیرساخت‌های شکل‌گیری نظام یکپارچه رفاهی ایران با اقداماتی که در چهار سال گذشته در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شده، فراهم شده و نیمی از راه پیموده شده است و اکنون زمان خوشه‌چینی آن است. به‌ویژه آنکه در حال‌حاضر علاوه بر جبران‌سازی، تقتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در این زمینه (اعمال رویکرد اقتصاد سیاسی) دو مضیقه اصلی در این زمینه مرتفع شده است؛ «مضایق قانونی» و «مضایق مالی». به این ترتیب که در حال‌حاضر احکام قانونی مبتنی بر نظام تأمین اجتماعی چندلایه در قالب مواد ۵۰۳ و ۵۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و نیز احکام برنامه ششم توسعه به‌ویژه در حوزه هدف‌گذاری و رصد شاخص‌های اجتماعی فراهم شده و هم منابع مالی مربوطه ملحوظ نظر واقع است؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود در صورت ادامه همین رویکرد در دولت دوازدهم و نیز در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و توابع آن، بتوان امیدوار بود که در چهار سال آتی نظام یکپارچه و چندلایه رفاه و تأمین اجتماعی مبتنی بر اصول فراگیری، جامعیت و کلیات عملیاتی شود و مردم عزیز ایران شهد شیرین نظام رفاهی عزتمندانه و ثمره انتخاب دوازدهم خویش را بچشند.

«نایب‌رئیس هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی

شرق: آمارها نشان می‌دهد کل سرمایه‌گذاری خارجی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۳ حدود ۴۲ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که برای به‌دست‌آمدن رشد هشت درصدی باید در هر سال رقمی حدود ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شود. آیا روی کارآمدن دوباره حسن روحانی، به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند؟ ماندن کابینه تدبیر و امید چه اثری بر این روند خواهد گذاشت؟ چه موانعی سر راه دولت است و دولت برای جذب سرمایه‌های بیشتر چه باید بکند؟ سرمایه‌گذاری در واقع به‌کارگیری سرمایه‌ها در فعالیت‌هایی است که ریسک برگشت سرمایه و منافع آن به عهده سرمایه‌گذار باشد. موانع مختلفی در ایران راه جذب سرمایه‌ها چه داخلی و چه خارجی را محدود کرده است. «شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان از اثر آمدن تیم روحانی بر جذب سرمایه‌گذاری پرسیده است.

جذب سرمایه با تکیه بر بهره‌وری هادی حق شناس، نماینده پیشین مجلس
به بقین انتخاب آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهوری دوازدهم منجر به افزایش جذب سرمایه در اقتصاد ایران خواهد شد؛ به دلیل اینکه رفتار این دولت در دوره یازدهم معقولانه، قابل پیش‌بینی، اعتمادساز بوده و حرکتش رو به جلو بوده است؛ به نظر می‌رسد بخشی از دستاوردهای ناخوشسته براجم که همان ایجاد ثبات و آرامش در اقتصاد ایران است منجر به جذب سرمایه در دولت دوازدهم خواهد شد؛ بزرگ‌ترین دستاورد دولت یازدهم که جایی ذکر نشد این بود که فعالان بخش خصوصی در دولت یازدهم می‌توانستند رفتار دولت را پیش‌بینی کنند. مهم‌ترین پارامتری که اقتصاد را توسعه‌یافته و از سایر اقتصادها تفکیک می‌کند این است که شاخص‌های اقتصادی در آن کشورها و همچنین رفتار سیاست‌مداران کشورهای مذکور عقلانی و قابل پیش‌بینی است. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین دستور کار دولت دوازدهم سرمایه‌گذاری برای اقتصاد ایران است. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ رشد سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نه‌تنها مطلوب نبود بلکه منفی بود. درحالی‌که ظرفیت اقتصاد ایران می‌تواند نرخ رشد سرمایه‌گذاری مثبت را تجربه کند. آنچه در دو سال گذشته منجر به رشد اقتصادی مثبت شد یا به دلیل افزایش تولید نفت و گاز بوده است یا از ظرفیت‌های موجود استفاده شده است. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی اگر به عدد بالای ۳۰ تا ۵۰ درصد برسد، اقتصاد ما می‌توانیم



انتظار داشته باشیم که رشد اقتصادی ایران پایدار و باثبات باشد. در چهار سال آینده اگر رشد اقتصادی ایران معادل میانگین بلندمدت کشور، یعنی در حد و حدود سه درصد باشد، اتفاق خاصی در اقتصاد کشور رخ نخواهد داد. انتظار این است که در چهار سال آینده رشد اقتصادی حداقل میانگین شش درصد و مطلوب اقتصاد ایران در چهار سال آینده عدد هشت تا ۱۰ درصد باشد. امکان تحقق چنین رشد اقتصادی‌ای وجود دارد؛ به این دلیل که دولت در برنامه ششم چنین عددی را پیش‌بینی کرده است. از سوی دیگر چنین عددی در سند چشم‌انداز نظام وجود دارد. از همه اینها مهم‌تر اقتصاد ایران ظرفیت تجربه‌کردن رشد اقتصادی دورقمی را هم دارد. راهکار هم مشخص است: جذب سرمایه. هم سرمایه بخش خصوصی داخلی و هم سرمایه خارجی. چگونه است که امروز در صنعت نفت و گاز به‌آسانی سرمایه خارجی جذب می‌شود؟ به نظر می‌رسد اگر دولت تدبیر کند در حمل و نقل هوایی، دریایی، زمینی؛ در گردشگری؛ در ایجاد هتل‌های چند ستاره؛ در معادن و همچنین در گردشگری درمانی و بسیاری از زمینه‌های دیگر که ایران مزیت نسبی در تولید آن دارد، مثل صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی، استعدادهای فراوانی برای تولید محصول نهایی وجود دارد. از همه اینها که بگذریم اگر دولت تنها و تنها به یک عامل به جز سرمایه، تکنولوژی و مجموعه خط تولید موجود در ایران توجه کند، می‌تواند رشد اقتصادی را حداقل ۵۰ درصد بیش از رشد اقتصادی بلندمدت کشور کند؛ آن هم توجه به بهره‌وری است. در برنامه‌های پنج‌ساله گذشته قرار بود، دو و نیم واحد از رشد هشت درصد از محل بهره‌وری باشد؛ اما میانگین بهره‌وری شاید به حدود نیم درصد برسد. اگر

اقتصاد

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» از افزایش جذب سرمایه با انتخاب دوباره رئیس دولت یازدهم خبر می‌دهند

چشم‌روشنی سرمایه‌گذاران خارجی به روحانی



عکاس: علی

دولت در انتخاب مدیران ارشد خود در دولت دوازدهم به کارآمدی، تخصص و بهره‌وری مدیران توجه کند، با انتخاب حداکثر چندصد مدیر نخبه، دانشگاهی، باتجربه و علمی می‌تواند بدون سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری و تنها با تکیه بر مدیرانی که ذکر شد به افزایش بهره‌وری در اقتصاد ایران، افزایش تولید و افزایش اشتغال و کاهش نرخ بی‌کاری دست پیدا کند. بنابراین افزایش تولید و کاهش نرخ بی‌کاری تنها جذب سرمایه نیست؛ بلکه جذب مدیران کارآمد نیز هست. اگر مدیران کارا کنار جذب سرمایه قرار بگیرند، انگاه می‌توان مانند کشورهایی چون ترکیه، مالزی، چین و... به‌آسانی به اهداف برنامه دست پیدا کرد. در غیر این صورت آمیدی که امروز مردم بسته‌اند، ممکن است کمرنگ شود؛ گرچه انتظار این است که دولت با تدبیر، امید رای‌دهندگان را افزایش دهد.

جراحی بهبود جذب سرمایه در دولت دوازدهم ایرج ندیمی، نماینده پیشین مجلس



به شکل طبیعی به چند دلیل انتخاب آقای روحانی در حفظ و افزایش سرمایه‌گذاری در ایران نقشی مثبت ایفا خواهد کرد؛ به این دلیل که به شکل طبیعی سیاست‌های این دولت برای سرمایه‌گذاران خارجی روشن است و این عامل مهمی برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری است؛ چراکه روشن است ایران با سیاست‌های جدید و مخاطره‌آمیزی روبه‌رو نیست. دلیل دیگر این است که بخش بزرگی از قراردادهایی که در دولت قبلی بسته شده؛ اما به‌هر دلیلی هنوز به اجرای کامل نرسیده است، به تحقق می‌پیوندد. آنها هم متوجه

این موقعیت و این تغییر خواهند شد. ازاین‌رو، برای قراردادهای منعقدشده امکان اجرا به‌وجود می‌آید. سوم اینکه تلاش‌های دولت از نظر رویکردی کاملاً آشکار است؛ مثلاً برای سرمایه‌گذار خارجی، توسعه روابط خارجی، توسعه روابط دو کشور، حفظ شاخص‌های اقتصادی، کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار، کاهش فساد اداری و... مهم است که این دولت هم در این حوزه عملکردی پذیرفتنی داشته است؛ در نتیجه طبیعی است که برای حفظ و بهبود اقدام کند. ازهمین‌رو، درباره موضوع و مباحث مربوط به حوزه شاخص‌ها و شرایط عملکرد هم این جریان مؤثر خواهد بود. نکته چهارم رویکرد دولت از نظر سیاست خارجی است؛ توضیح اینکه علاوه بر شرایط گذشته، پس از برجام این دولت به اهداف جدیدی با همکاری مسئولان نظام می‌انديشد و آن کاهش تحریم‌هایی جز مسائل هسته‌ای است. به اضافه اینکه از نظر تیم و افرادی که باید این کارها را انجام دهند، قرار نیست تغییر شگرفی در دولت رخ دهد. حتی اگر وزرا هم به شکل احتمالی تغییر کنند، بدنه کارشناسی و مانند آن حفظ می‌شود. ازهمین‌رو به نظر می‌رسد به دلایل سیاسی، سیاست خارجی، شاخص‌های اقتصادی، نظام مدیریتی و... وضعیت ایران به اندازه کافی برای اجرای طرح‌های پیشین ثابت خواهند ماند. چنین است که سرمایه‌گذاری در دولت دوازدهم احتمالاً بهبود پیدا خواهد کرد؛ به‌ویژه اینکه عزم آن هم وجود دارد و دولت بخشی از اهداف خودش را از جمله موضوع اشتغال یا عدالت اجتماعی و مانند آن را در پرتو سرمایه‌گذاری خارجی می‌بیند. در واقع این دولت درون‌نگر نیست؛ بلکه نگاه بیرونی هم بر این دولت حاکم است و آنها اصرار دارند مابازای آنچه که در ایران داریم از امکان و فرصت خارجی هم بهره بگیریم. اما اگر بخواهیم بدانیم چه موانعی سر این راه است، باید گفت بخشی از موانع این راه خارجی است و بخشی داخلی. در داخل ناهماهنگی‌های درون قوه مجریه، چه با دیگر ارکان حاکمیت و چه با خودشان، مهم‌ترین مانع است. ضعف‌های مدیریتی با نداشتن رویکرد اشخاص در مناصب خاص و البته نگاه تک‌بعدی، ازجمله مشکلات درون‌قوه‌ای است. نداشتن تعامل میان قوا و ارکان قدرت از دلایل این موضوع است. دومین موضوع هم در خارج از ایران است؛ هرچه دولت بیشتر بتواند در خارج از ایران اعتمادآفرینی کند، این امکان فراهم خواهد شد که بتوانند از فرصت سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی سود ببرد. البته روشن است که ما درباره پذیرش سرمایه‌گذار خارجی مشکلات زیرساختی هم داریم.

فضای مجازی، همه این متغیرها نمی‌توانستند این پیروزی را تضمین کنند؛ یعنی تمام این متغیرها وقتی به کمک روحانی آمدند که زمینه فضای مجازی وجود داشت و اگر فیلترینگ و سرعت پایین اینترنت و تکنولوژی ارتباطات، در تبادل اطلاعات اختلالی ایجاد می‌کرد، نه پیام بزرگان اصلاحات تأثیری این چنین می‌یافت و نه این‌همه اثری که دولت در متغیرهای مختلف از خود به جای گذاشته بود. روحانی در انتخابات پیروز شد؛ زیرا ترانه «دوباره ایران» او را و پیام «زنده باد آزادی» او را همه جا خواندند و زمزمه کردند. پیروز شد؛ زیرا در جای‌جای ایران، با نسل‌های بالاتر از نسل سوم اینترنت، تبلیقاتش تکرار شد و دست به دست چرخید. پیروز شد؛ چون در زیرساخت ارتباطات سرمایه‌گذاری کرد و هر تلفن همراه هوشمند، شد سداد انتخاباتی‌اش. پیروز شد؛ چون حمله چریکی شب‌نامه‌ها و سیانمایی‌های کاغذی، وعده‌های وسوسه‌انگیز رقیب را با سلاح مدرن همین فناوری‌ها پاسخ گفت. پیروز شد؛ چون ده‌ها میلیون ستاد، لحظه به لحظه در دستن‌طرفدارانش با فناوری «تری‌جی» و «فوری‌جی»، می‌چرخید. روحانی را بدون شک، فضای مجازی پیروز کرد و امان از این فضای مجازی. اگر این فرض که روحانی را فضای مجازی پیروز کرد، بپذیریم با دست‌کم اگر نقش فضای مجازی را در پیروزی روحانی پررنگ بدانیم، آن‌گاه به‌ناچار باید بپذیریم که در آستانه انقلابی جدید، شاید هم‌سنگ انقلاب صنعتی و... قرار داریم؛ انقلابی که محصولش، در یک کشور نه‌چندان پیشرفته خاورمیانه، دارای بافتی سنتی و مذهبی، با ساختار نه‌چندان مطلوب اقتصادی از نظر ضریب جینی و کاملاً مستعد جذب شعارهای یارانه‌ای، انتخاب رئیس‌جمهوری است که لاقل سعی کرده است فاصله خود را با شعارهای پوپولیستی حفظ کند. جالب‌تر آنکه فاصله آرا، حتی در شهرهای محروم نیز به نفع روحانی حفظ شده است. این نتیجه فارغ از هرگونه قضاوت ارزشی، قطعاً از معجزات این عصر جدید است که اجتماع و انحصار اتاق‌های فکر و بنگاه‌های شایعه‌پراکنی و جریان‌سازی اعم از صداوسیما، خبرگزاری‌ها، وب‌سایت‌ها و همه رسانه‌های دیگر را از طریق شبکه‌های اجتماعی و با فراهم‌آوردن تریبون آزاداندیشی و آزادگویی برای هر شهروند، دچار چالش کرده و زمینه را برای آگاهی ناب و بدون سانسور تصمیم‌گیرندگان دموکراسی فراهم کرده است...

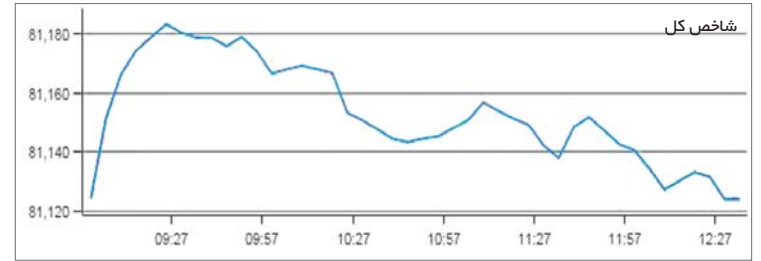
سریع دارند که SMEها (شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها) نمونه‌ای از آت‌هایست. به اعتقاد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ایجاد یک شغل برای یک خانواده از دادن پول به یک خانواده ارزشمندتر است. معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور هم در این همایش، توسعه کسب‌وکار و رونق اشتغال در کشور را مستلزم بهبود و توسعه فضای کسب‌وکار دانست و گفت: اگر می‌خواهیم مدرگرایی در کشور از بین برود باید روش اقتصادمان را تغییر دهیم و جوانان نخبه و دانش‌آموخته را در حوزه کارآفرینی، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها حمایت کند. به گزارش خبرگزاری‌ها، سسونا ستاری اظهار کرد: باید کارآفرینی را توسعه بخشیم و جایگاه کارآفرینانی که مایل به استخدام دولتی نیستند را ارتقا بدهیم. او با بیان اینکه هدف از آموزش در کشور باید تغییر کند، افزود: استارت‌آپ‌هایی که چند سال قبل ایجادشان جنایت بود و آنها را خائن می‌دانستند امروز یک افتخار ملی به شمار می‌آیند. معاون علمی‌وفناوری رئیس‌جمهور ادامه داد: اکنون بیش از ۳۰۰ شرکت دانش‌بنیان با ۳۰ هزار میلیارد تومان درآمد و با صد هزار نفر مشغول کارند.

تقویت تشک‌ل‌های مردمی و رویکرد کمک به محرومان از دیگر وظایف دولت محسوب می‌شود. رئیس دفتر رئیس‌جمهوری با اشاره به شعار دولت دوازدهم مبنی بر «ریشه‌کنی فقر تا پایان سال ۱۴۰۰» گفت: سه گروه محروم در کشور وجود دارد که تا پایان دولت دوازدهم توانمند خواهند شد. افرادی که توانایی کارکردن ندارند، افرادی که توانایی کار دارند اما بی‌کارند و افرادی که توانایی کار دارند و شاغل هم هستند، اما درآمدهای آنها کمفی نیست، را سه گروهی نام برد که در حوزه فقر تعریف می‌شوند. به گفته او، در صورتی که بخواهیم فقرزدایی کنیم نباید نگاه صدقه‌ای داشته باشیم. علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی هم از تصویب کلیات لایحه برداشت یک‌ونیم میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برای اشتغال روستایی در مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: در صد روز آینده گزارش ایجاد اشتغال و به‌یارنشستن طرح‌های وزارت کار را ارائه خواهیم کرد. عضو کابینه دولت یازدهم با تأکید بر اینکه باید سالانه ۹۵۵ هزار شغل ایجاد شود، ادامه داد:

برای ایجاد چنین حجم زیادی از شغل، ضمن اینکه باید بنگاه‌های تولیدی را راکد را فعال کنیم، لازم است سراغ تأسیس شرکت‌هایی برویم که کارآفرینی

بورس

روز آرام در بورس



عنوان شاخص	تغییر	مقدار
شاخص کل بورس تهران	۵۳.۹	۸۱۱۲۴.۴۵
شاخص کل فرابورس	۲.۷	۹۲۵.۶۵
ارزش کل بازار	۷۶۲۵.۱۳۳-	۳۳۱۱۴۶۷.۸۶۷ میلیارد ریال
ارزش معاملات بورس تهران	۶۲۸۰.۵۴۴-	۳۱۸۹۰۶۱۳ میلیارد ریال
حجم معاملات بورس تهران	۲۲۳۳.۷۱۵-	۹۲۴.۲۸۵ میلیون ریال
ارزش معاملات فرابورس	۲۲۷۷.۵۵۲-	۸۰۴.۴۴۸ میلیارد ریال
حجم معاملات فرابورس	۲۵۴۳.۴۷۳-	۲۵۴.۵۲۷ میلیون ریال

شاخص کل معادل ۲.۷ واحد شد و شاخص فرابورس در رقم ۹۲۵.۶ ایستاد. علاوه‌براین همچون روزهای گذشته هفته جاری ناهمادی معاملاتسی «دوب»، «ایرداز» و «شسه‌داب» به‌ترتیب پربیننده‌ترین سهام فرابورس بودند. در بازار فرابورس «شراز» ۱.۳ واحد و «ایرداز» ۰.۵ واحد بر شاخص اینس بازار تأثیر منفی گذاشتند. با توجه به پایین‌بودن حجم معاملات دیروز،

در معاملات دیروز بورس اوراق بهادار، روند اصلاح قیمتی ادامه داشت و شاخص نیز در کنار آن به‌ارامی حرکت کرد. علاوه‌براین در بازار دیروز گروه‌های کاشی و سرامیک به‌همراه قندوشکری‌ها از اقبال مطلوبی برخوردار شدند و قیمت اغلب آنها افزایشی بود.

دیروز شاخص کل نیز با افزایش ۵۳.۹۰ واحدی به رقم ۸۱ هزار و ۱۲۴.۴ رسید. این رقم با جابه‌جایی یک میلیارد و ۱۷۸ میلیون سهم به ارزش سه هزار و ۹۹۴ میلیارد ریال حاصل شد که در پی آن شاخص قیمت با رشد ۲۲.۱ واحدی به عدد ۱۳هزار و ۷۹۲ و شاخص آزاد شانور با رشد ۲.۳۴ واحدی به عدد ۸۸ هزار و ۷۲۸ رسیدند. معامله‌گران در بورس تهران بیش از ۱۹۴ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش سه هزار و ۱۲۲ میلیارد ریال را جابه‌جا کردند که بیشترین تأثیر مثبت را روی شاخص کل در پی آن معاملات «کشتنی» با ۲۴۰.۳ واحد و بیشترین تأثیر منفی را روی شاخص کل با معلات «فارس» با ۳۵.۴۳ واحد به ثبت رساندند. پربازدیدترین سهام نیز «شیندر»، «جولمت» و «خودرو» بودند. در فرابورس نیز ۲۵۴ میلیون سهم به ارزش ۸۰۴ میلیارد ریال دادوستد شد که منجر به افت جزئی



علی آهو
کارشناس بازار سرمایه
شرکت سبذگردان کاریزما

یادداشت

فضای مجازی

روحانی جان! وبازار سرمایه



فریدون زارعی
کارشناس بورس

● تمام شد و نتیجه هم اعلام شد. انتخابات این دوره قبل از آنکه تقابلی باشد میان جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب، از نگاه من تقابل نصفه و نیمه خیلی چیزهای دیگر بود: احساسات و منطق، سنت و مدرنیته، تقابل و تعامل با دنیا، نگاه کوتاه‌مدت و بلندمدت، شعار و آگاهی و...؛ همه این تقابله‌ها به کمک روحانی آمد. در کنار این تقابل‌ها، حمایت شخصیت‌های مقبول و شناخته‌شده اعم از روشنفکران، هنرمندان، ورزشکاران، رهبران اصلاحات و اعتدال و... توانایی منحصربه‌فرد روحانی و جهان‌گیری در مناظرات، چهره‌های مثبت و افتخارآفرین دولت‌مردان روحانی که ثمره خود را در مذاکرات هسته‌ای، افزایش سهم نفت، طرح تحول سلامت و نظام تأمین اجتماعی، ثبات قیمت‌ها و کاهش تورم، نوسازی و بهسازی ناوگان حمل‌ونقل، خودکفایی و پیشرفت در کشاورزی و محیط زیست، حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان، آبرسانی و گازرسانی به مناطق روستایی و رویکرد ویژه دولت به فناوری اطلاعات و ارتباطات، و شاید ده‌ها دلیل دیگر، به کمک آقای روحانی جان! در پیروزی آمدند....

اما شاید بتوان با قاطعیت عنوان کرد، در نبود فضای مجازی، همه این متغیرها نمی‌توانستند این پیروزی را تضمین کنند؛ یعنی تمام این متغیرها وقتی به کمک روحانی آمدند که زمینه فضای مجازی وجود داشت و اگر فیلترینگ و سرعت پایین اینترنت و تکنولوژی ارتباطات، در تبادل اطلاعات اختلالی ایجاد می‌کرد، نه پیام بزرگان اصلاحات تأثیری این چنین می‌یافت و نه این‌همه اثری که دولت در متغیرهای مختلف از خود به جای گذاشته بود. روحانی در انتخابات پیروز شد؛ زیرا ترانه «دوباره ایران» او را و پیام «زنده باد آزادی» او را همه جا خواندند و زمزمه کردند. پیروز شد؛ زیرا در جای‌جای ایران، با نسل‌های بالاتر از نسل سوم اینترنت، تبلیقاتش تکرار شد و دست به دست چرخید. پیروز شد؛ چون در زیرساخت ارتباطات سرمایه‌گذاری کرد و هر تلفن همراه هوشمند، شد سداد انتخاباتی‌اش. پیروز شد؛ چون حمله چریکی شب‌نامه‌ها و سیانمایی‌های کاغذی، وعده‌های وسوسه‌انگیز رقیب را با سلاح مدرن همین فناوری‌ها پاسخ گفت. پیروز شد؛ چون ده‌ها میلیون ستاد، لحظه به لحظه در دستن‌طرفدارانش با فناوری «تری‌جی» و «فوری‌جی»، می‌چرخید. روحانی را بدون شک، فضای مجازی پیروز کرد و امان از این فضای مجازی. اگر این فرض که روحانی را فضای مجازی پیروز کرد، بپذیریم با دست‌کم اگر نقش فضای مجازی را در پیروزی روحانی پررنگ بدانیم، آن‌گاه به‌ناچار باید بپذیریم که در آستانه انقلابی جدید، شاید هم‌سنگ انقلاب صنعتی و... قرار داریم؛ انقلابی که محصولش، در یک کشور نه‌چندان پیشرفته خاورمیانه، دارای بافتی سنتی و مذهبی، با ساختار نه‌چندان مطلوب اقتصادی از نظر ضریب جینی و کاملاً مستعد جذب شعارهای یارانه‌ای، انتخاب رئیس‌جمهوری است که لاقل سعی کرده است فاصله خود را با شعارهای پوپولیستی حفظ کند. جالب‌تر آنکه فاصله آرا، حتی در شهرهای محروم نیز به نفع روحانی حفظ شده است. این نتیجه فارغ از هرگونه قضاوت ارزشی، قطعاً از معجزات این عصر جدید است که اجتماع و انحصار اتاق‌های فکر و بنگاه‌های شایعه‌پراکنی و جریان‌سازی اعم از صداوسیما، خبرگزاری‌ها، وب‌سایت‌ها و همه رسانه‌های دیگر را از طریق شبکه‌های اجتماعی و با فراهم‌آوردن تریبون آزاداندیشی و آزادگویی برای هر شهروند، دچار چالش کرده و زمینه را برای آگاهی ناب و بدون سانسور تصمیم‌گیرندگان دموکراسی فراهم کرده است...

. خلاصه آنکه فضای مجازی را جدی بگیریم،

این بازار می‌دیدیم که با شور و اشتیاق و مضطرب

و البته متواضع، به دنبال رای برای آقای روحانی

بودند. جمعیت ضررکرده‌ای که برای بسیاری از سیاست‌های اقتصادی دولت توجیهی نمی‌یافتند و در این چهار سال، دولت جیب‌شان را خالی کرده بود، حالا آمده بودند وسط دنیای واقعی و مجازی که آرای خاموش طرفدارشان را متقاعد کند که به همانی رای بدهند که جیب‌شان را خالی کرده بود؛ چه بسیار کسانی را می‌شناختم که در جلسات متعدد، اذعان داشتند که روحانی به خاک سیاه‌شان کشانده است و در این روزها سرتاسر بنفش بودند و در حال بنفشگی!

ادامه در صفحه ۵